



نگاهی کوتاه به ایدئولوژی، سیر تحول و چشم‌انداز جریان الصحوة در عربستان سعودی

محمدعلی واعظی*

چکیده

جریان الصحوة در عربستان سعودی، تحت تأثیر افکار سازمان اخوان المسلمین مصر شکل گرفت. شعار اصلی آنها مقابله با مدرنیته غربی و مقابله با ورود نیروهای خارجی به عربستان بود. آنها از نظر اعتقادی، مانند سایر وهابیان، با اشاعره و شیعه مشکل دارند؛ به طور کلی، می‌توان سیر تحول رابطه دولت عربستان با جریان الصحوة را به پنج مرحله تقسیم کرد که در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، این مسئله مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ به نظر می‌رسد، آینده جریان الصحوة رو به افول باشد و در واقع این جنبش، گفتمانی منسجم و راه‌کارهای مناسبی برای مشکلات موجود در جامعه عربستان و کشورهای اسلامی ارائه نداد و در حال حاضر محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، اکثر چهره‌های مطرح این جریان مانند سلمان العوده، سفر الحوالی و ناصر العمر را به زندان افکنده و در فکر اعدام کردن آنها می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: الصحوة، عربستان، اخوان المسلمین، ایدئولوژی، چشم‌انداز.

* دانشجوی دکتری جریان‌های کلامی معاصر مجتمع امام خمینی

مقدمه

جریان الصحوة (بیداری) به تغییرات اجتماعی و سیاسی قدرتمندی می‌گویند که عربستان در دهه ۶۰ تا ۸۰ قرن بیستم میلادی تجربه کرد؛ البته ریشه این جریان به دهه ۱۹۵۰ م برمی‌گردد؛ زمانی که ملک فیصل بن عبدالعزیز (۱۹۷۵-۱۹۰۶ م)، در عربستان به قدرت رسید و زمینه را برای پناه دادن به اعضای جماعت اخوان المسلمین فراهم کرد. اخوانی‌ها در آن زمان، تحت فشار حکومت‌هایشان در مصر، سوریه و... بودند. آنها در عربستان به بخش‌های مختلف حکومتی نفوذ کرده و ایدئولوژی خودشان را منتشر کردند. خودشان نیز تا حدی تحت تاثیر وهابیت قرار گرفتند. تبلور واقعی این جریان به ورود نیروهای بیگانه به شبه‌جزیره عربی برمی‌گردد که به عامل اصلی شکل‌گیری منازعات میان جریان «الصحوة» با نظام حاکم و دستگیری و زندانی شدن برخی رهبران آن منجر شد؛ البته عده‌ای تداوم جریان الصحوة را محصول و پیامد انقلاب اسلامی ایران و افزایش گستره بیداری اسلامی نیز می‌دانند.

این جریان یکی از جریان‌های تاثیرگذار در عربستان است که نقش مهمی در عرصه دینی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته است؛ با توجه به اهمیت زیاد این جریان، پژوهش‌گران زیادی سعی در شناخت و اهمیت این جریان، تبیین آرا و اندیشه‌ها، مطالعه سیر تحول و بیان چشم‌اندازهای پیش‌روی این جریان در عربستان معاصر دارند؛ به-خصوص اینکه، این جریان فکری، در میان کشورهای اسلامی، طرفداران قابل توجهی دارد.

در مقاله پیش‌رو سعی می‌شود، ضمن بیان مهم‌ترین خصوصیات اعتقادی نظریه-پردازان جنبش الصحوة و بیان برخی از عناصر اصلی گفتمان آنها، سیر تحول و چشم‌انداز آینده این جریان مهم نیز بررسی شود.

تاریخچه

جریان بیداری اسلامی در عربستان، حرکتی فکری - اجتماعی است که به دست عده‌ای از مبلغان دینی، با هدف بیداری مردم از رخوت و خواب‌آلودگی شکل گرفت. این جریان در دهه ۱۹۸۰ میلادی به اوج خود رسید. مهم‌ترین چهره‌های آن نیز عبارت‌اند از سلمان العوده، عوض القرنی، عائض القرنی، سفر الحوالی، ناصر العمر و سعد البریک که در ادامه به این اشخاص اشاره خواهد شد. این جریان در دوران جهاد افغانستان با شوروی، مورد استقبال ملک فهد بن عبدالعزیز قرار گرفت و از آنها در وزارت کار و آموزش و پرورش استفاده شد؛^۱ اما دوستی این جریان با خاندان حاکم آل سعود دیری نپایید و در دهه ۱۹۹۰م، با شروع جنگ خلیج فارس و حمله آمریکا به عراق و استفاده از خاک عربستان به عنوان پایگاه نظامی، رابطه این جریان با حکومت عربستان تیره و تار شد.

با آغاز قرن ۲۱م، دولت عربستان به لیبرال‌ها مجال داد تا بتوانند در مقابل جریان الصحوة، به عنوان یک نیروی بدیل و جایگزین در صحنه عربستان ظاهر شوند. جریان لیبرال، شعار آزادی، تسامح و مقابله با نفوذ سیاسی - اجتماعی روحانیون در عربستان را سر داد.^۲ با به قدرت رسیدن محمد بن سلمان در صحنه سیاسی عربستان، تغییرات زیادی در این کشور شروع شد و اکثر چهره‌های مطرح جریان الصحوة روانه زندان شدند. وی دهه ۱۹۸۰ در عربستان را حالتی غیرعادی و تحت تاثیر انقلاب اسلامی در ایران دانست و قول داد که عربستان دیگر به این دوران باز نخواهد گشت.^۳

مبانی فکری

برای فهم این جریان فکری، ضروری است، با برخی از مهم‌ترین عناصر عقیدتی و سیاسی آنها آشنا شویم، تا بتوانیم فضای گفتمانی این جریان را بهتر درک کنیم. این جریان به لحاظ عقیدتی با اشاعره و شیعه مخالف است و دموکراسی را نیز ابزاری غربی

1. www.alarabiya.net/ar/saudi-today/2017/10/31

2. http://www.aleqt.com/2017/11/05/article_1278281.html

3. <http://www.bbc.com/arabic/interactivity-41795655>

می‌داند که محصول غرب است؛ در ادامه به توضیح بیشتر این مطالب خواهیم پرداخت.

اشاعره و شیعه

جریان الصحوة از دل وهابیت بیرون آمده و اساسا تفکری فرقه‌ای است و به سایر مسلمانان از منظر فرقه‌ای می‌نگرد؛ از آنجایی که زیر بنای هر تفکر فرقه‌ای بر اساس ویران کردن و تخریب فرقه مقابل است، متفکران جریان الصحوة نیز سعی دارند، مسئولیت تمام مشکلات جهان اسلام را به گردن مخالفان خود بیندازند؛ در ادامه به موضع جریان الصحوة در برابر اشاعره و شیعه اشاره خواهد شد. سه تن از نظریه‌پردازان و چهره‌های مشهور جریان الصحوة، بر ضد اشاعره کتاب نوشته‌اند که عبارت‌اند از: عبدالرحمن المحمود (موقف ابن تیمیة من الاشاعره)، عبداللطیف (هل التمشعر سنة) و سفر الحوالی (منهج الاشاعرة في العقيدة).

سفر الحوالی اشاعره را از بزرگ‌ترین فرقه‌های مرجئه‌گالی می‌داند و به آن نسبت جریان بدعت‌گذار می‌دهد؛ به عقیده وی، اصطلاح "اهل سنت و جماعت" در مقابل بدعت‌گذاران است و اشاعره در مفهوم اهل سنت جای نمی‌گیرد و از فرقه اهل سنت خارج هستند. اگر کسی سنت را از اهل آن اخذ کند، حتی اگر به خطا رود، در زمره اهل سنت محسوب می‌شود و اگر کسی سنت را از نااهلان دریافت کند، اگرچه به نتیجه‌ای درست دست یابد، در جرگه اهل سنت نیست. وی در پایان به این نتیجه می‌رسد که اشاعره، سنت را از جریان حقیقی آن اخذ نکرده و به نتیجه‌ای صحیح نیز دست نیافته‌اند؛ پس چطور می‌توانند در زمره اهل سنت قرار گیرند؟ سفر الحوالی همچنین، اشاعره را فرقه‌ای گمراه می‌داند؛ زیرا آنها اصول روش‌شناسی سلف را در مباحث کلامی و اعتقادی رعایت نکرده‌اند.^۱

شیعه نیز از حملات صحویون در امان نمانده است. آنان شیعیان را با عبارت "رافضة" که بار معنایی منفی دارد، مورد خطاب قرار می‌دادند و مردم را از خطر رافضة بر حذر

۱. حوالی، سفر، مقاله منهج الاشاعره في العقيدة، ص ۶.

می‌داشتند. ناصر العمر در مقاله‌ای با عنوان «حقیقت رافضی‌ها در سرزمین توحید»،^۱ به بیان خطرات شیعیان برای عربستان می‌پردازد و سعی می‌کند مردم را بر ضد آنها تحریک کند. وی در این مقاله مدعی است: شیعیان فقط پنج درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، ولی درصدد ازدیاد جمعیت خودشان هستند و به‌همین دلیل در سن پایین ازدواج می‌کنند. آنها خیلی به امر تعلیم اهمیت می‌دهند و تعداد افراد باسواد آنها زیاد است و پسران و دختران آنها حضوری قوی در مدارس دارند. وی در این مقاله به ارائه برخی آمارها می‌پردازد و از نفوذ آنان در ارگان‌ها و اداره‌های امنیتی سخن می‌گوید؛ به گفته او، شیعیان فعالیت‌های تجاری وسیعی دارند و بر بخش‌های کلیدی اقتصاد عربستان مسلط هستند.

همچنین در این مقاله، ناصر العمر از برخی مظاهر شرک و بدعت شیعیان سخن به میان می‌آورد؛ مثلاً اینکه، آنها به بنای قبور می‌پردازند و آن را تزئین می‌کنند؛ ضریح بنا می‌کنند و بر دعا‌های بی‌پایه استناد می‌کنند. در مسجد نبوی نیز، اعمال خاص و بی‌اساسی انجام می‌دهند. مشاهده می‌شود که در این مقاله، ناصر العمر شیعیان را نه تنها شهروندان درجه دو می‌پندارد؛ بلکه آنها را خطری بزرگ می‌پندارد و به‌نوعی سعی دارد، پروژه شیعه‌هراسی را دامن بزند.

برخی نظریه‌پردازان جریان الصحوة، گام را از این هم فراتر نهاده و به مشرک بودن شیعیان حکم کرده‌اند. عبدالرحمن بن صالح در مقاله‌ای به‌عنوان «حقیقة الرافضة»، اعتقادات شیعه را به چهار دسته (عدل، توحید، نبوت و امامت)، تقسیم کرده است: او به صورت گزینشی و ناقص، به بیان این اصول می‌پردازد؛ سپس در بحث امامت، اندکی درنگ می‌کند و می‌گوید: امامت در نزد شیعه بر پنج اصل بنا شده است که عبارت‌اند از: انحصار امامت در امامان دوازده‌گانه، عصمت، تقیه، مهدویت و رجعت. وی با بررسی بسیار ناقص و دست و پا شکسته‌ی این اصول، به این نتیجه می‌رسد که شیعیان در توحید

۱. عمر، ناصر، واقع الرافضة فی بلاد التوحید، ص ۱۰.

ربوبی و الوهی مشکل دارند و کافر هستند.^۱

اما همان‌طور که محمد بوهلال در کتاب گفت‌مان الصحوة السعودیة در نقد این نوع تکفیر اشاره می‌کند، باید گفت که اولاً، نویسنده مقاله اصلاً شرایط علمی را در پژوهش رعایت نکرده و از منابع بی‌پایه در تفسیر این اصول استفاده کرده است؛ ثانیاً، منابع مورد استفاده او بیشتر از کتاب‌های کافی و بحارالانوار است که این دو کتاب در بحث عقایدی از کتاب‌های مرجع به‌شمار نمی‌روند؛ بلکه او باید به کتاب‌های شیخ صدوق (۳۲۹ق) و شیخ مفید (۴۱۳ق) و نیز، خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ق) مراجعه می‌کرد؛ ثالثاً، بسیاری از اقوالی که المحمود به شیعه نسبت داده، عقیده عوام‌الناس شیعه است و سخنانی علمی نیستند؛ رابعاً، او در این مقاله بیشتر نقل قول از دیگران کرده و خودش در این زمینه به کتب اصلی شیعه مراجعه نکرده است؛ خامساً، عبدالرحمن بن صالح المحمود، در این مقاله بیشتر دغدغه محکوم کردن شیعه و خارج کردن آنها از دین را داشته است؛ زیرا در فضای تکفیر و منازعات مذهبی، نظریه‌پردازان جریان الصحوة، بهتر می‌توانستند افکار خود را ترویج کنند.^۲

یکی از مهم‌ترین عناصر گفت‌مان جریان الصحوة، مسئله حکومت‌داری و نحوه حکومت است. آنها عموماً با مسئله دموکراسی و حق مردم در تعیین سرنوشت خود مخالف بودند؛ ولی به مرور زمان، مواضع خود را تعدیل کردند؛ در ادامه به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت.

۲/۳ دموکراسی

یکی از مظاهر اصلی مدرنیته، دموکراسی و حق مردم در تعیین حاکمیت است. نظریه‌پردازان جریان الصحوة در این مورد، نظریه‌ها و مراحل مختلفی را از سر گذرانده‌اند؛ این مراحل عبارت‌اند از:

۱. ابن‌صالح، عبدالرحمن محمود، حقیقة الرافضة: 5119 <https://kt-b.com/?p=5119>

۲. ابوهلال، محمد، خطاب الصحوة السعودیة، ص ۴۷.

۱. مرحله تحریم دموکراسی

در این مرحله، صحویون به سه دلیل، دموکراسی را باطل اعلام کردند؛ اولاً، دموکراسی با "حاکمیت الله" و شریک کردن غیر خدا در حکمرانی در تضاد است؛ ثانیاً، اصل این است که هرچه از دین کفر وارد دین مسلمین شود (چه از مقوله نظریات و آرا باشد، چه از مقوله ابزارآلات)، مردود است؛ ثالثاً، متفکران جریان الصحوة برای ارائه قرائتی بومی از دموکراسی و متناسب کردن آن با محیط جامعه عربستان آن زمان، هیچ‌گونه تلاشی نکردند؛ در این مرحله و تا اواخر دهه ۱۹۸۰م، جریان الصحوة، دموکراسی را فکری وارداتی دانسته و با آن مبارزه می‌کرد.^۱ آنان بر این عقیده بودند که دموکراسی نه تنها سیره سلف صالح نیست، بلکه محصول صلیبیان بوده و به منزله شریک کردن بت‌ها در عبادت با خدا است.

۲. مرحله تعدیل و احتیاط در مواجهه با دموکراسی

در این مرحله برخی از شیوخ الصحوة با مسئله دموکراسی با احتیاط بیشتری برخورد کرده و سعی کردند به صراحت آن را تحریم نکنند؛ برای نمونه، سفر الحوالی در مورد نتایج انتخابات تونس در سال ۱۹۹۱م، با احتیاط چنین می‌گوید: اساساً، با وجود اینکه دموکراسی بدون هیچ‌شکی کفر است و می‌دانیم که گسترش اسلام در روی زمین به وسیله دموکراسی نبوده، اما این روش می‌تواند باعث نصرت دین و نشر دین در میان مردم گردد و آنها را ترغیب کند تا امر به معروف و نهی از منکر را برپا دارند؛ تا زمانی که ما به مرحله‌ای برسیم که بین حق و باطل تمیز دهیم؛ بعد از این مرحله است که نوبت به جهاد با نام الله می‌رسد و دین اقامه خواهد شد.^۲

در این سخن سفر الحوالی، باید این نکته را در نظر داشت که او معتقد است: دموکراسی اساساً باطل است، ولی می‌توان از منظر پراگماتیک (عمل‌گرایی) و مفید بودن به آن نگریست؛ تا اینکه به مرحله‌ای برسیم که بتوانیم بین حق و باطل تمیز قائل شویم.

۱. همان، ص ۱۲۶.

۲. همان، ص ۱۳۲.

۳. مرحله نزدیک شدن به دموکراسی (سلمان العودة)

در اواخر سال ۲۰۱۰ و اوایل سال ۲۰۱۱م، برخی انقلاب‌ها در برخی کشورهای عربی آغاز شد که از تونس آغاز گردید و به مصر، لیبی و یمن رسید. این انقلاب‌ها به بهار عربی شهرت یافت. این موج تمام منطقه را در بر گرفت و بر جریان الصحوة نیز تاثیر گذاشت. سلمان العودة به‌عنوان یکی از چهره‌های مطرح الصحوة، کتابی به‌عنوان سوال‌های انقلاب^۱ تدوین کرد که می‌توان آن را نقطه عطفی در مواضع این جریان دانست. او در این کتاب، به تبیین موضع صحویون در مورد حکومت و دموکراسی می‌پردازد؛ به‌نظر می‌رسد این کتاب، به‌نوعی تجدیدنظر در مواضع جریان الصحوة باشد؛ زیرا سلمان العودة یکی از چهره‌های برجسته این جریان به‌شمار می‌رود.

سلمان العودة در فصل سوم این کتاب به مسئله دموکراسی و نظام سیاسی در اسلام می‌پردازد. او در این کتاب از کسانی که در مورد عیوب دموکراسی "وزوز می‌کنند"^۲ انتقاد می‌کند و می‌گوید: این اشخاص بهتر است درباره عیوب استبداد و سلطنت مطلقه حاکم بر کشورهای عربی "وزوز" کنند؛^۳ به‌نظر می‌رسد این سخنان العودة، خطاب به جوانان الصحوة و شیوخ آنها باشد و او می‌خواسته، موضع صحویون در مورد دموکراسی را تعدیل کند.

العودة در توجیه این دیدگاه خود سعی در پاسخ دادن به اشکالات احتمالی این نظریه دارد. وی می‌گوید: قرآن، برخلاف مسائل عبادی و ایمانی، در مورد امور سیاسی وارد تفصیلات آن نشده و حدیث نبوی نیز می‌گوید: شما به امور دنیوی خویشتان داناتر هستید^۴ و این نشان می‌دهد که به‌لحاظ دینی، دست ما برای نحوه اختیار حاکم باز است.^۵ وی به سخن امام علی علیه السلام که قبول کردن حکومت را به رضایت و حضور مردم منوط کرده،

۱. عودة، سلمان، أسئلة الثورة، ص ۲۱.

۲. یدندن حول عیوب الديمقراطية.

۳. عودة، سلمان، أسئلة الثورة، ص ۱۳۲.

۴. أنتم أعلم بأمور دنياکم.

۵. همان، ص ۶۱.

اشاره دارد.^۱

بعد از بیان برخی از مهم‌ترین عناصر گفتمان جریان الصحوة و آشنایی مختصر با اندیشه‌های عقیدتی و سیاسی این جریان، اکنون به بررسی فراز و نشیب این جریان و چشم‌انداز آینده آن خواهیم پرداخت.

۴. سیر تحول جریان

نزدیک به ۷ دهه از پیدایش جریان الصحوة می‌گذرد. در این مدت، این جریان فراز و فرودهای زیادی را تجربه کرده است. اولویت‌هایش تغییر کرده و میزان حضور آنها در جامعه متفاوت بوده است؛ به‌طور کلی، می‌توان سیر تحول رابطه حکومت آل سعود و جریان الصحوة را به ۵ مرحله تقسیم کرد. مرحله اول (۱۹۶۰-۱۹۷۰م)، که مرحله پیدایش گفتمان این جریان است و این جریان در این مرحله به گفتمان‌سازی و غیریت-سازی پرداخته و سعی کرده خودش را از دیگران جدا کرده و گفتمانش را در جامعه اعلان کند؛ در مرحله دوم جریان الصحوة (۱۹۸۰-۱۹۷۰م)، که مهم‌ترین مرحله و اوج قدرت این جنبش است، سعی شده با توجه به گفتمان تولید کرده خود، به صدور فتوی برای مسائل مستحدثه بپردازد و گفتمان خود را عملی کند؛ در مرحله سوم (۱۹۸۹-۱۹۷۹م)، دولت عربستان ضمن احساس خطر از ناحیه جریان الصحوة، سعی در همکاری با آنها در پروژه جهاد افغانستان بر ضد شوروی داشت. مرحله چهارم (۲۰۰۱-۱۹۸۹م) مرحله برخورد و تصادم این جریان با حکومت عربستان است و این جریان توسط حکومت محصور و محدود گردید و بخش زیادی از قدرت خود را از دست داد و بسیاری از چهره‌های شاخص آن دستگیر و به زندان افتادند؛ در آخرین مرحله که از سال ۲۰۰۱م و بعد از حملات یازده سپتامبر آغاز شد و تاکنون نیز ادامه دارد، این جریان رو به افول و زوال نهاده و محمد بن سلمان، اغلب چهره‌های برجسته این جریان را دستگیر کرده است.

۱. همان، ص ۸۶-۸۳.

۱/۴. مرحله شکل‌گیری (۱۹۶۰-۱۹۷۰م)

در اواخر دهه ۱۹۶۰م، در عربستان سعودی، نیروهای مذهبی و وهابی‌ای وجود داشتند که در ذات خود با یک‌دیگر تضاد داشته و اولویت‌های هر کدام ۱۸۰ درجه با دیگری متفاوت بود؛ اگرچه هر دو جریان فکری، خود را منتسب به اسلام وهابی می‌دانستند، اما در یک طرف، دستگاه وهابیت سنتی و حکومتی بود که هدف اصلی اش حکومت‌داری و ماماشات با حاکمان عربستان بود و بیشتر، توجه به جنبه مناسکی و شعائری دین داشت و در طرف مقابل نیز، جریانی بود که خواهان توجه به دین در تمام ابعاد سیاسی و اجتماعی (مخصوصاً در عرصه سیاست خارجی) بود.^۱

عامل مهم تاثیرگذار بر جریان دوم، عده‌ای از چهره‌های مشهور سازمان اخوان المسلمین مصر بودند که تحت فشارهای جمال عبدالناصر در دهه ۱۹۶۰م، به عربستان مهاجرت کردند. افرادی مانند محمد قطب، محمد سرور زین‌العابدین از مهم‌ترین چهره‌های تاثیرگذار بر این جریان هستند؛^۲ به‌نظر می‌رسد، دستگاه حکومتی عربستان در آن زمان این اشخاص را به عربستان دعوت کرده بود؛ زیرا در آن زمان، عربستان، تازه به دنیای مدرن گام نهاده بود و سعی در جذب نیروی نخبه، مخصوصاً در کادر آموزشی و دانشگاه‌ها داشت، تا بتواند با چالش‌های مدرن شدن عربستان مقابله کند.^۳ عامل مهم دیگری که می‌تواند در مهاجرت چهره‌های برجسته سازمان اخوان المسلمین به عربستان سعودی نقش داشته باشد، به قدرت رسیدن جمال عبدالناصر، چهره ملی‌گرا و پان‌عربیسم، در مصر بود. او رویای "جمهوری عربی متحده" را در سر می‌پروراند و خواهان متحد کردن عرب‌های منطقه به رهبری مصر بود.^۴ عربستان به‌عنوان کشوری که ادعای زعامت جهان عرب و اسلام را داشت، شدیداً با این گفت‌وگو سکولار و بعثی مخالف بود.

۱. لاکروا، استفان، زمن الصحوة الحركات الاسلامية المعاصرة في السعودية، ص ۱۹.

۲. ابوهلال، محمد، خطاب الصحوة السعودية، ص ۱۳.

۳. خضر، عبدالعزيز، السعودية سيرة دولة ومجتمع، ص ۵۷.

4. <https://www.encyclopedia.com/history/asia-and-africa/egyptian-history/united-arab-republic#1E1-UntdArRep>

این طور بود که تفکرات وارداتی، حامل پروژه اسلام سیاسی و ایدئولوژیک اخوانی که قصد اجرای شریعت در تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی را داشت، به عربستان راه یافت. اخوانی‌ها، به‌خصوص اخوان المسلمین، این طرز تفکر را در دانشگاه‌ها، مراکز و موسسات فرهنگی‌ای که در اختیار داشتند، نشر دادند و برای این نوع تفکر نظریه‌پردازی کردند و از طریق مدارس و منابع، آن را به مردم عرضه داشتند.^۱

در این مرحله بود که چهره‌های برجسته گفتمان الصحوة در رسانه‌ها، به معرفی گفتمان خویش پرداختند. آنها ابتدا امور سیاسی و توجه به امور مسلمین، فراتر از مرزهای جغرافیایی را مطرح کردند. صحویون معتقد بودند، ولاء و وابستگی دینی، باید فراتر از ولای به وطن باشد. آنان سپس به مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پرداختند. شعار شمولیت اسلام و قابل اجرا بودن آن در تمامی مکان‌ها و زمان‌ها را مطرح کردند. یکی از چهره‌های اولیه جریان الصحوة، شیخ عبدالرحمن البراک بود. او بر فرق گذاشتن میان علقه دینی و وطنی تأکید داشت. وی معتقد بود، حب وطن بازگشت به امور جاهلی می‌باشد و بر نوعی تعصب استوار است؛ ولی علقه دینی، لازمه‌ی ساختن جامعه‌ای سالم و مطابق با ارزش‌ها و تعالیم اسلامی است.^۲ صحویون تنها خواهان درست کردن عقیده و دستیابی به توحید خالص برای داخل شدن در فرقه ناجیه موعود که مختص سلفیه است، نبودند؛^۳ بلکه آنها خواهان اجرایی کردن این نظریات و اسلامی‌سازی جامعه در تمامی ابعاد بودند.

۲/۴. ظهور و بروز (۱۹۸۰ - ۱۹۷۰م)

این دهه را می‌توان اوج دوران گفتمان جریان الصحوة نامید. در دهه ۱۹۸۰ میلادی بود که طرفداران این جریان گسترش یافتند و این جریان به‌عنوان یک کنشگر قوی اجتماعی مطرح گردید؛ از لحاظ اجتماعی، طرفداران جنبش الصحوة در بسیاری از امور مانند، عدم

۱. ابو‌هلال، محمد، خطاب الصحوة السعودية، ص ۱۳.

2. <http://albarrak.islamlight.net/index.php?option=content&task=view&id=22680&Itemid=0>

۳. عمر، ناصر، التوحید - اولاً؛ <https://ar.islamway.net/book/1865>

اختلاط دختر و پسر در مدارس، ممنوعیت سینما، ممنوعیت آوازخوانی زنان، برپایی هیئت امر به معروف و نهی از منکر و... نظرات خود را به حکومت عربستان تحمیل کردند.^۱ صحویون خواستار اسلامی‌سازی جامعه در تمامی ابعاد بودند و به جامعه به صورت سیاه‌وسفید می‌نگریستند و رنگ خاکستری را از نگاه خویش حذف کرده بودند.

در این دوره، نظریه‌پردازان این جریان سعی کردند در تمام مسائل سیاسی و اجتماعی اظهارنظر کنند؛ از قضیه صلح اسرائیل با اعراب تا رانندگی زنان و مدرسه رفتن دختران. صحویون هرچند که با نفوذ غرب و هجوم مدرنیته به قلمرو سرزمین‌های اسلامی مخالف بودند، ولی سعی می‌کردند، از برخی ابزارهای مدرن نیز استفاده کنند؛ مثلاً آنها برای اولین بار در ابعاد وسیع از نوار کاست که در آن زمان بر شرعی و غیر شرعی بودن آن اختلاف بود، استفاده کردند و در آن، سخنرانی‌ها و افکار خود را منتشر کردند. یکی از پیشگامان در این عرصه، سلمان العوده بود. نوارهای کاست او بسیار مشهور شد و انتشار وسیعی یافت.^۲

یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح شده در این دوره، مسئله مدرن کردن فقه یا "فقه الواقع" است. جریان الصحوة به پیشگامی ناصر العمر، سعی کرد فقه را بروز رسانی کند و دایره فقه را گسترش دهد و دایره آن را از مسائل شعائری و متداول فراتر ببرد و آن را به یک کنشگر موثر در جامعه تبدیل کند. آنها در عین استفاده برخی از وسایل مدرن، خواستار مواجهه با نفوذ افسارگسیخته غرب و محافظت از امت اسلامی شدند. آنها خواستار پویایی فقه و یافتن پاسخ به مسائل روزمره در پرتو فقه حنبلی و اصول عقیده وهابی شدند.^۳

صحویون سعی کردند با سکولاریسم و کم‌رنگ شدن نقش دین در جامعه در سایه ورود مدرنیته و آمدن ابزارآلات جدید به عربستان مقابله کنند. یکی از چهره‌های مطرح دیگر جریان الصحوة، شیخ سفر الحوالی است که به این موضوع ورود کرد و به تالیف

۱. لاکروا، استیفان، زمن الصحوة الحركات الاسلامية المعاصرة في السعودية، ص ۱۰۷.

۲. ترکی، دخیل، سلمان العوده من السجن الى التنوير، ص ۴۴۲.

۳. عمر، ناصر، نامه فقه الواقع، ص ۲۰.

کتاب پرداخت؛ از منظر او، تمام نظام‌های سکولار که سعی در دور کردن نقش دین از جامعه و به حاشیه راندن آن را در ابعاد عمومی و خصوصی دارند، نظام‌های غیر دینی و باطل هستند؛ به نظر وی، دو عامل اصلی باعث پیدایش سکولاریسم در جهان اسلام شده است:

۱. منحرف شدن مسلمانان از عقیده اصیل اسلامی خودشان؛ همان‌طور که مسیحیان در اروپا از عقیده اصیل خودشان منحرف شده‌اند، مسلمانان نیز در زمینه‌های توحیدی و عقیدتی دچار انحراف شده و اسلام را در ساحت شعائر و مناسک تبعیدی خلاصه کرده‌اند. وی معتقد است، مسلمانان تحت تاثیر صوفیه و رکود تمدنی قرار گرفته‌اند.

۲. نقشه یهودی‌ها و مسیحی‌ها: از نظر الحوالی، نیروهایی مانند استعمارگران، به صورت مستقیم، شرق شناسان، مسیحیان تبشیری، یهودی‌ها و مسیحی‌ها، باطنی-گرایان و... سعی دارند به ترویج سکولاریسم بپردازند تا به هدف مشترک خود (یعنی خارج کردن مسلمانان از رنگ و بوی دینی)، نائل شوند.^۱

۳/۴. مرحله همکاری و تعامل (۱۹۸۹-۱۹۷۹م)

در سال ۱۹۷۹م، سه حادثه مهم در داخل و خارج عربستان رخ داد که برای عربستان اهمیت حیاتی داشت. در این سال، جهیمان العتبی به مدت دو هفته، مسجد الحرام را به تصرف خود درآورد. انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید و جهاد مردم افغانستان بر ضد شوری سابق آغاز شد. در حادثه اشغال مسجد الحرام توسط جهیمان، دولت عربستان نتوانست به تنهایی از عهده او و افرادش برآید و از نیروهای خارجی (نیروهای ویژه فرانسوی)، کمک گرفت.^۲ این کار خشم جریان الصحوة را برانگیخت؛ زیرا دولت عربستان ضمن همکاری با کفار، اجازه داخل شدن آنها به مقدس‌ترین مکان مسلمانان را نیز داده بود.

۱. حوالی، سفر، العلمانية نشأتها وتطورها وآثارها في الحياة الإسلامية المعاصرة، ص ۷.

۲. ما خفي أعظم - جهیمان.. الرواية الأخرى - قناة الجزيرة؛

<https://www.youtube.com/watch?v=rwZN-N06xr4>

حکومت عربستان برای خلاص شدن از دست نیروهای جریان الصحوة و آرام کردن جو پیش آمده، جهاد افغانستان را برای دور کردن صحویون مناسب دید. آمریکا رقیب شوروی در آن زمان، خواستار شکست شوروی در افغانستان بود و از عربستان برای کمک به مجاهدین افغانی طلب کمک کرد. عربستان نیز دست جریان الصحوة را برای ورود به افغانستان باز گذاشت. یکی از شعارهای اصلی جریان الصحوة، فراتر رفتن مسلمانان از مرزهای جغرفیایی و اهتمام به امور مسلمین در سراسر جهان و جهاد بین‌المللی بود. در این دوره بود که اشخاصی نظیر عبدالله عزام، بن‌لادن، زرقاوی و دیگران برای جهاد به افغانستان آمدند. عربستان نیز برای مدتی از دست نیروهای صحوی در داخل عربستان راحت گردید. جهاد افغانستان با روس در سال ۱۹۸۹م خاتمه یافت.

در حقیقت، پایان جنگ افغانستان به‌نوعی پایان تعامل حکومت عربستان با جریان الصحوة و نیروهای جهادی آن نیز بود.^۱ دولت عربستان بعد از حادثه جهیمان، به‌روشنی خطر فزاینده جنبش الصحوة را درک کرده بود و می‌خواست از شر طرفداران این جنبش خلاص شود؛ ولی زمینه اجتماعی و افکار عمومی برای این کار مساعد نبود؛ اما طولی نکشید که حادثه دیگری رخ داد و با اعتراض جریان الصحوة به این حادثه، جریان سنتی وهابیت، فتوای برخورد با این نواندیشان دینی را صادر کرد که در ادامه به بررسی این مطلب خواهیم پرداخت.

۴/۴. مرحله بحران: ولاء و براء (۱۹۹۰-۲۰۰۱م)

گفتمان غالب صحویون، مبارزه با مدرن شدن (به‌خصوص مدرنیته غربی) بود و هرگونه تاثیرپذیری از آن را مردود می‌دانستند؛ از دیدگاه آنان، یکی از مظاهر دین‌داری، دست‌شستن از مظاهر دنیوی و عدم پیروی و تبعیت از غیر مسلمانان و نیز، اعلام براءت و دشمنی با آنان است. آنان برای توجیه این دیدگاه به قاعده ولاء و براء استدلال می‌کردند؛ بر اساس این قاعده، نباید از کافران استمداد طلبید و یا با آنها همکاری کرد.

در دوم آگوست سال ۱۹۹۰م که جنگ خلیج فارس اول رخ داد و عراق به کویت

۱. کمنز، دیوید، الدعوة الوهابیة والمملکة العربیة السعودیة، ص ۲۶۴.

حمله کرد، این اصل ظهور و بروز یافت؛ زیرا یک کشور اجنبی (آمریکا) به صورت مستقیم در عربستان حضور پیدا کرد. هیئت علمای رسمی عربستان، با ورود نظامیان آمریکایی به عربستان برای مقابله با صدام و آزادسازی کویت موافقت کرد و در ۱۴ آگوست ۱۹۹۰م، فتوایی در این زمینه صادر کرد. این فتوا با اشاره به جرائم زشتی که در کویت رخ داده بود، می‌گوید: یاری خواستن رهبران عربستان سعودی از کشورهای عرب و غیر عرب برای دفع این خطر احتمالی بی‌اشکال است. در این فتوا، نامی از کشور ایالات متحده آمریکا نیامده است؛ همچنین گفته نشده که نیروهای غیر مسلمان، (یعنی کافر)، عربستان را یاری دهند و به جای آن، فقط به عبارت «نیروهای مسلحی که در دل افراد خواستار حمله به این کشور وحشت می‌اندازند»، اشاره مبهمی شده است.^۱

سلمان العوده و سفر الحوالی که در این دوره از شیوخ جریان الصحوة به‌شمار می‌آمدند، به مخالفت با این فتوا برخاستند. در ماه سپتامبر ۱۹۹۰م، زمانی که هزاران نفر از نیروهای آمریکایی به عربستان رسیدند، سفر الحوالی در مسجدی در ریاض اعلام کرد که خطر اصلی که عربستان را تهدید می‌کند، از جانب عراق نیست؛ بلکه از طرف آمریکا است. آمریکا می‌خواهد به بهانه خروج صدام از کویت، عربستان را اشغال کند و در آن پایگاه‌های نظامی‌اش را بنا کند.^۲ این چنین شد که شیوخ الصحوة (سلمان العوده و سفر الحوالی)، برای مبارزه با نیروهای اشغال‌گر و لیبرال‌های سکولار آماده شدند. سلمان العوده اعلام کرد که باید مظاهر لیبرال از مدارس دولتی و صدا و سیما برچیده شود و کارمندان دولت از میان فارغ التحصیلان حوزوی انتخاب شوند.^۳

العوده تاکید داشت که تحالف تاریخی وهابیت با حکام سعودی باعث شده تا اسلام از گزندها محفوظ و از انحرافات مصون بماند؛ الان نیز ضروری است تا برای مصون ماندن از نفوذ فرهنگ بیگانه، نظامیان و مستشاران خارجی از این کشور طرد شوند و شیعیان نیز

۱. کامنیز، دیوید، وهابیت و عربستان سعودی، ص ۲۷۲.

۲. تایتلیاوم، جاشوا، أقدس منكم المعارضة الإسلامية في المملكة العربية السعودية، ص ۳۰.

۳. کمنز، دیوید، الدعوة الوهابية والمملكة العربية السعودية، ص ۲۷۳.

از عربستان پاک‌سازی شوند.^۱ سلمان العوده، سفر الحوالی و سایر شیوخ الصحوة، از تمرکز شعائری وهابیت بر مسائل دینی آزاده خاطر بودند و اعتقاد داشتند، باید تمرکز را بر مسئله اشغال شدن کشورهای مسلمانی نظیر فلسطین، عراق، کشمیر و چین گذاشت؛ در حقیقت، صحویون با وجودی که به جایگاه علمای بارزی مانند بن‌باز و سایر شیوخ سنتی وهابی در امور دینی معترف بودند، ولی تحت تاثیر اخوان، بیشترین اهمیت را به امور سیاسی می‌دادند و پرداختن به امور سیاسی را نافع‌تر و مهم‌تر از سایر مسائل دینی می‌دانستند.

این‌چنین شد که در سال ۱۹۹۴م، حکومت عربستان تصمیم به قلع‌و‌قمع شیوخ الصحوة گرفت. آل سعود مجلس علمای کبار را فراخواند تا به بررسی کتاب‌ها، نوارهای کاست و بیانیه‌های جریان الصحوة بپردازند. رهبران وهابی به این نتیجه رسیدند که شیوخ الصحوة منحرف هستند و باید از نظرات خود توبه کنند؛ زمانی که این شیوخ از فرمان دولت سرپیچی کردند، عبدالعزیز بن‌باز دستور منع سخنرانی در ملاءعام را برای آنها صادر کرد و بعد از مدت کوتاهی نیز، حکومت، آنها را به زندان افکند.^۲

دیری نگذشت که رابطه بین جریان الصحوة و حکومت عربستان به تیرگی گرایید. سلسله انفجارهایی در نقاط مختلف عربستان رخ داد که گفته می‌شود، در نتیجه بازداشت رهبران جریان الصحوة رخ داده است. یکی از این درگیری‌ها در شهر "بریده" رخ داد که به قطع شدن کامل رابطه بین جریان الصحوة و حکومت انجامید. در سال ۱۹۹۵م، این حوادث به مدت سه روز ادامه داشت و معترضان به بازداشت سلمان العوده و سفر الحوالی اعتراض داشتند. آنها همچنین خواستار خروج نیروهای آمریکایی از این کشور بودند.^۳

صرف‌نظر از اینکه رهبران جریان الصحوة به چه میزان خواهان درگیری خشونت‌آمیز و نظامی با دولت عربستان سعودی بودند، در ابتدای هزاره سوم، حادثه انفجار برج‌های تجارت جهانی در نیویورک رخ داد که معادله را به نفع حکومت عربستان تغییر داد و این

۱. همان، ص ۲۷۴.

۲. همان، ص ۲۷۴.

۳. ابوهلال، محمد، خطاب الصحوة السعودية، ص ۱۹.

اجازه را به دولت عربستان داد که با فراغ بال به سرکوبی هرچه تمام‌تر جریان الصحوة اقدام کند.

۵/۴. جهانی شدن بحران و افول الصحوة (۲۰۰۱م، تا زمان حاضر)

بدون شک ظهور جریان الصحوة و انتقاد علنی از حکام سعودی، نقطه عطفی در تاریخ عربستان سعودی و نیز در منظومه فقهی مذهب حنبلی است که اطاعت از ولی امر و حاکم در آن مذهب، از اصول اولیه به‌شمار می‌رود؛ به‌نظر می‌رسد، اگر جریان الصحوة از درگیری خشونت‌آمیز با حکومت پرهیز می‌کرد و خودش را با حکومت عربستان درگیر نمی‌کرد، حکومت عربستان به آسانی نمی‌توانست آنها را از صحنه سیاسی و اجتماعی عربستان خارج کند؛ اما حادثه دیگری که به کمک دولت عربستان آمد، حوادث ۱۱ سپتامبر نیویورک بود. حکومت عربستان از فضای پیش آمده علیه جریان‌های اسلامی و جهادگران نهایت استفاده را برد و توانست تیر خلاص را به آنها بزند.

در داخل جریان الصحوة نیز، اختلاف پیش آمد و وحدت گفتمانی آنها از بین رفت. یکی از مهم‌ترین موارد اختلاف بین نظریه‌پردازان جریان الصحوة، قضیه "ولاء و براء" بود. سلمان العوده، بعد از اینکه از زندان خارج شد، نظرش در این مورد را تعدیل کرد. او گفت: برائت جستن فقط در مورد کافرانی است که محارب باشند و برائت جستن در مورد کافران غیر محارب، لازم نیست؛ اما یکی دیگر از چهره‌های جریان الصحوة، عبدالعزیز العبد اللطیف، با او کاملاً مخالفت کرد و این کلام را شنیع و باطل دانست. وی استاد عقیده در دانشگاه محمد بن سعود در ریاض بود. دولت عربستان او را به جرم خروج بر ولی امر و همکاری با اخوان المسلمین دستگیر و زندانی کرد.^۱

اختلاف مواضع رهبران جریان الصحوة باعث شد، این جریان از هم گسسته شود و به سه سوی مختلف رود. عده‌ای از آنها با استفاده از درس‌های گذشته به آسیب‌شناسی افکار قبلی خود پرداخته و دست به اصلاح وسیع در افکار و مبانی خویش زدند و افکار گذشته خویش را غلوآمیز پنداشتند. یکی از این افراد سلمان العوده است که بیانیه‌ای به

۱. همان، ص ۲۲.

نام "همزیستی" منتشر کرد.^۱ عده دیگری نیز بر همان مواضع قبلی خود باقی ماندند. دسته سوم نیز راه افراط را در پیش گرفته و دایره دشمنان خود را وسیع تر کردند و به گروه-های جهادی پیوستند.

۵. چشم انداز جریان الصحوة

دولت عربستان در ابتدای ظهور این جریان، سعی کرد با این جریان تعامل و حتی در برخی موارد، مانند جهاد افغانستان از آنها در راستای منافع خود استفاده کند؛ اما بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، افکار عمومی در داخل و خارج از عربستان، برای برخورد با این جریان آماده شد و دولت عربستان با آزادی عمل کامل، به سرکوب چهره‌های برجسته این جریان اقدام کرد. این سرکوب‌ها با روی کار آمدن محمد بن سلمان (در مقام ولیعهدی عربستان در سال ۲۰۱۷م)، به اوج خود رسید.

محمد بن سلمان در یک سخنرانی معروف در مورد "سند چشم انداز سال ۲۰۳۰م" عربستان، ضمن اشاره تلویحی به جریان الصحوة تصریح کرد: تا قبل از ۱۹۷۹م، اوضاع این کشور خوب بود و این کشور دیگر به افراطیون اجازه نخواهد داد تا ۳۰ سال دیگر از عمر ما را صرف افراطگرایی کند و قول داد آنها را ریشه کن کند و به اسلام "مُنْفَتِح" و معتدل بازگردد؛^۲ در نتیجه، با روی کار آمدن محمد بن سلمان و انجام اصلاحات مورد نظر او، حلقه فشار بر سران جریان الصحوة بسیار تنگ گردید؛ در ادامه به برخی از مهم-ترین موارد برخورد حکومت عربستان با چهره‌های برجسته جریان الصحوة اشاره خواهیم کرد.

یکی از مهم‌ترین چهره‌های جریان الصحوة سلمان العوده است. وی چندین مرتبه به زندان رفته است. آخرین بار در سال ۲۰۱۷م، بعد از اینکه در تویتر مطلبی درباره ضرورت «نرم شدن قلوب ولات امر در نحوه برخورد با مردم» نوشت، بازداشت و به مکان نامعلومی

۱. عوده، سلمان، بیان التعایش؛ <http://www.alriyadh.com/1583074>

۲. الحوار الكامل للامير محمد بن سلمان عن نيوم؛

<https://www.youtube.com/watch?v=wYuDkx4ICk&t=1s>

منتقل گردید. اکنون نیز زمزمه‌های حکم اعدام او بر سر زبان‌ها است.^۱ یکی دیگر از چهره‌های مهم جریان الصحوة سفر الحوالی است. او در سال ۲۰۰۵م، دچار سکتة مغزی شد و تا مدت‌ها فعالیت زیادی نداشت؛ تا اینکه در سال ۲۰۱۸م، دوباره و با تمام قوا به صحنه مبارزه بازگشت.

در این سال، وی در فضای مجازی کتابی به نام المسلمون والحضارة الغربية منتشر کرد که در آخر این کتاب در بخش ملحقات آن، در قالب نصیحت، خطاب به آل سعود چنین می‌گوید: نوه‌های شیخ محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود، مثل این دو مرحوم نیستند. بعضی از نوه‌های آل شیخ به ترویج علنی الحاد می‌پردازند و در بین نوه‌های آل سعود، هم صالح و هم طالح وجود دارند.^۲ بعد از انتشار این کتاب، دولت عربستان این بهانه را یافت که در ۱۲ جولای سال ۲۰۱۸م، این شیخ ۶۸ ساله را به همراه سه فرزندش، در حالی که در بستر بیماری بود، دستگیر کند.^۳ از سرنوشت او نیز تاکنون مانند سلمان العوده خبر موثقی در دست نیست.

ناصر العمر نیز، با وجود اینکه از محبوبیت بالایی برخوردار بود و در توئیتر بیش از ۶ میلیون دنبال‌کننده داشت، در سال ۲۰۱۸م، در جریان موج بازداشت‌های گسترده‌ای که در عربستان صورت گرفت دستگیر شد. علت بازداشت وی اعلام نشده است؛ ولی گفته می‌شود، او با دولت قطر و سازمان اخوان المسلمین ارتباط نزدیک داشته و به این سبب دستگیر شده است؛ از سرنوشت وی نیز اطلاع دقیقی در دست نیست.^۴

یکی دیگر از چهره‌های مشهور جریان الصحوة، عائض القرنی است. در سال ۲۰۱۹م، او پس از سال‌ها مخالفت با حکومت، در طی یک مصاحبه جنجالی، به علت مخالفت با حکومت و درک نکردن برخی از مسائل، از ملت عربستان عذرخواهی کرد. او گفت: در طی حضورش در جریان الصحوة، از کتاب و سنت تخطی کرده است. عائض

1. <https://www.bbc.com/arabic/middleeast-49125725>

۲. حوالی، سفر، المسلمون والحضارة الغربية، ص ۲۳۵۶.

۳. حوالی، سفر، شیخ أرق آل سعود وأرهقوه؛ 2018/9/4 <https://midan.aljazeera.net/intellect/sociology>

۴. <https://www.bbc.com/arabic/middleeast-45161308> .۴

قرنی افزود: ما در سه امر اشتباه کرده‌ایم؛ اول، برخورد با دولت اسلامی؛ دوم، به حاشیه رانده شدن علمای کبار در جریان الصحوة؛ سوم، شدت و افراط در گفتمان و تحریم کردن برخی از مباحات بر مردم.

او در این مصاحبه به اخوان المسلمین، ترکیه و قطر حمله کرد و اعلام کرد که آنها بر ضد عربستان توطئه می‌کنند و او الان طرفدار اسلام معتدلی است که محمد بن سلمان آن را ترویج می‌کند.^۱

در ادامه برای ترسیم چشم‌انداز جریان الصحوة، نظر برخی از کسانی که در این زمینه تخصص دارند را ذکر خواهیم کرد. محمد بوهلال، نویسنده کتاب گفتمان جریان الصحوة عربستان، در مورد استمرار داشتن گفتمان جریان الصحوة نظر منفی دارد و برای این نظر خود، دو دلیل ذکر می‌کند:

۱. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های گفتمان جریان الصحوة عبارت بود از، ارائه صورتی سلبی از اسلام که سعی در حذف غیر خودشان از دایره دین‌داری و منحصر کردن حقیقت در دایره بسته خودشان داشت. آنها طرفدار اسلامی بودند که با عقل و دنیای مدرن در تعارض بود.

۲. گفتمان این جریان، مخالف ارزش‌های دنیای مدرن و مطلق‌گرا بود. آنها به انسان به‌عنوان بنده‌ای می‌نگریستند که هیچ‌گونه آزادی اندیشه و عمل ندارد و فقط باید از واجبات دینی اطاعت کند. آنان کرامت بشری را به رسمیت نمی‌شناختند و با مخالفان‌شان با خشونت برخورد می‌کردند.^۲

علی الاحمد، یکی از معارضان مطرح سعودی، بر این باور است که حملات سال‌های اخیر به رهبران جریان الصحوة، رابطه این جریان با خاندان آل سعود را برای همیشه قطع کرده و رابطه این دو به طلاق نهایی خود نزدیک شده است؛ زیرا محمد بن سلمان از

۱. عائض القرنی ضیف برنامج الليوان مع الإعلامي عبدالله المدیفر؛

<https://www.youtube.com/watch?v=oleP9QTuRvM&t=25s>

۲. ابوهلال، محمد، خطاب الصحوة السعودية، ص ۱۸۶.

روش تهاجمی خویش کوتاه نخواهد آمد.^۱ پروفیسور أحمد بن راشد معتقد است که جریان الصحوة، از این وضعیت خارج خواهد شد و حمله همه جانبه محمد بن سلمان بر این جریان، به شکست خواهد انجامید. وی معتقد است، افکار و اندیشه‌ها را نمی‌توان قلع‌و-قمع کرد و زمانی که فرصت مناسب پیدا شود، این جریان دوباره ظهور خواهد کرد.^۲

سعد الفقیه نیز که یکی از معارضان سعودی محسوب می‌شود (او رهبری حرکت اسلامی اصلاح را بر عهده دارد و در حال حاضر، خارج از عربستان به سر می‌برد)، در پاسخ به این سوال که آیا الصحوة به پایان رسیده و آینده آن چگونه است؟ چنین پاسخ می‌دهد: جریان الصحوة به‌عنوان یک پدیده گذرا به پایان رسیده است؛ اما آثار آن ادامه خواهد داشت و به شاخه‌ها و جریان‌های گوناگون تقسیم خواهد شد و یک پدیده جدیدی را خلق خواهد کرد؛ به‌نظر وی، جریان الصحوة به رغم سرکوب حکومت از پایگاه مردمی برخوردار است و به شکل دیگری ظهور خواهد کرد. او کوتاه‌نظری و برچسپ زدن صحویون به مردم و تقسیم آنان به متدین و غیر متدین را یکی از آسیب‌های اصلی این جریان بر می‌شمرد و می‌گوید: صحویون در برهه‌ای، حتی افراد سیگاری را از دایره ملتزمین خارج می‌کردند. او این نوع "غیریت‌سازی" را از اشکالات اساسی این جریان بر می‌شمرد.^۳

پیش‌بینی آینده جریان الصحوة کار دشواری است. در وضعیت فعلی، با پیش آمدن حوادثی مانند ۱۱ سپتامبر و پدیده داعش و فشار افکار عمومی برای مقابله با گروه‌های اسلامی بنیادگرا، اوضاع به نفع محمد بن سلمان است و او با فراغ‌بال، اقدام به زندانی و قلع‌و‌قمع کردن صحویون می‌کند؛ اما باید در نظر داشت که عربستان، جامعه‌ای دینی است و دین و ارزش‌های آن، در تاروپود مردم این کشور نفوذ کرده و هر لحظه این احتمال وجود دارد که مردم با اصلاحات پیشنهادی محمد بن سلمان مخالفت کنند و جریان الصحوة مجدداً به صحنه باز گردد.

۱. تیار الصحوة السعودی افکاره وأبرز شخصياته و مستقبله: <http://mubasher.aljazeera.net/news>

۲. همان.

۳. <https://www.youtube.com/watch?v=wifgU1m77iA>

نتیجه

جریان الصحوة عربستان، تحت تاثیر سازمان اخوان المسلمین مصر، با هدف حفظ هویت اسلامی در برابر غرب و مقابله با نفوذ و سیطره مدرنیته و همچنین، حفظ کیان اسلام در برابر غرب شکل گرفت. این جریان در دهه ۱۹۸۰م، به اوج خود رسید و حکومت عربستان چاره‌ای جز تعامل و همکاری با آن نداشت؛ اما سران این جریان فقط در بحث نظری در مورد ضرورت بازگشت به نظام اسلامی بر اساس قرآن و سنت و دوری گزیدن از سقوط در دامن غرب و دنیای مدرن با هم متحد بودند؛ ولی در موارد بسیاری با یکدیگر اختلاف داشتند. نقطه ضعف آنها این بود که فقط انتقاد می‌کردند و هیچ راه‌حل جایگزینی برای نظام سیاسی و حل مشکلات اجتماعی ناشی از مدرنیته نداشتند؛ برای مثال اگر دموکراسی حرام و محصول غرب است، پیشنهاد آنها برای جایگزینی حکومت فعلی چیست؟ آیا باید به سبک خلافت اموی، عباسی و فاطمی و خلافت اسلامی... بازگشت؟ به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، جریان الصحوة نتوانسته توجه افکار عمومی را به دست آورد. فضای عمومی عربستان برای نظریات این جریان آماده نیست و ظهور جریان‌های افراط‌گرایی مانند داعش و... نیز به کمک محمد بن سلمان آمده و او با تمام قوا به سرکوب و زندانی کردن رهبران این جریان ادامه می‌دهد. نظریه‌پردازان جریان الصحوة نیز تا زمانی که نتوانند جایگزین مناسبی برای مواردی که بر آن اعتراض دارند، ارائه کنند، بعید به نظر می‌رسد، دوباره موفق شوند به صحنه اجتماعی و سیاسی عربستان و جهان اسلام بازگردند.

منابع

٤١. ابن صالح، عبدالرحمن محمود، **حقيقة الرفضة**، <https://kt-b.com/?p=5119>.
١. ابوهلال، محمد، خطاب الصحوة السعودية مقارنة لموقفها من العلمانية والديمقراطية والمخالف الفقهي والعقدي، بيروت: الشبكة العربية للابحاث والنشر، ٢٠١٤م.
 ٢. تايتلباوم، جاشوا، **أقدس منكم المعارضة الإسلامية في المملكة العربية السعودية**، واشنطن: دارالافاق، ٢٠٠٠م.
 ٣. تركي، دخيل، **سلمان العودة من السجن الى التنوير**، بيروت: دار مدارك للنشر، ٢٠١٣م.
 ٤. حوالى، سفر، **العلمانية نشأتها وتطورها وأثارها في الحياة الإسلامية المعاصرة**، صنعاء: دار الهجرة، ١٩٨٢.
 ٥. حوالى، سفر، **المسلمون والحضارة الغربية**، بي.جا: بي.نا، بي.تا.
 ٦. حوالى، سفر، **مقاله منهج الاشاعره فى العقيدة**، الكويت: الدار السلفية، ١٩٨٦م.
 ٧. خضر، عبدالعزيز، **السعودية سيرة دولة ومجتمع قراءة فى التجربة ثلث قرن من التحولات الفكرية والسياسية والتنمية**، بيروت: الشبكة العربية للابحاث والنشر، ٢٠١٠م.
 ٨. عمر، ناصر، **نامه فقه الواقع**، بي.جا: بي.نا، ٢٠١١م.
 ٩. عمر، ناصر، **واقع الرفضة فى بلاد التوحيد**، بي.جا: بي.نا، ١٤١٣ق.
 ١٠. عوده، سلمان، **اسئلة الثورة**، بيروت: مركز نماء، ٢٠١٢م.
 ١١. كامنيز، ديويد، **وهايت و عربستان سعودى**، ترجمه: مجتبی فاضلى، تهران: پژوهش گاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ١٣٩٣ش.
 ١٢. كمنز، ديويد، **الدعوة الوهابية والمملكة العربية السعودية**، مترجم: عبدالله ابراهيم عسکر، لبنان: دارالساقى، ٢٠١٢م.
 ١٣. لاکروا، استيفان، **زمن الصحوة الحركات الاسلامية المعاصرة فى السعودية**، ترجمه: عبدالحق الزمورى، بيروت: الشبكة العربية للابحاث والنشر، ٢٠١٢م.

14. <http://albarrak.islamlight.net>
15. <https://ar.islamway.net>
16. <https://www.encyclopedia.com>
17. <https://www.youtube.com>
18. <http://www.alriyadh.com>
19. <https://www.bbc.com>
20. <https://midan.aljazeera.net>
21. <http://mubasher.aljazeera.net/news>
22. <https://www.youtube.com>

